



Spatial reading of Iranian melodrama cinema by evaluating the components of the sense of place (Case example: Mother movie)

ABSTRACT INFO	ABSTRACT
<p>Article Type: Qualitative research</p>	<p>Problem: Architecture and cinema are a collection of art and technology that are intertwined with the help of the capable hands of an architect and a filmmaker. The two can act similarly in infusing the spirit of life into space and evoking human feelings. Among these, urban spaces and architectural buildings are very important as the location of a film event and represent the temporal, cultural, historical, social and are in the movie. So that paying attention to the category of architecture in cinema in a serious and conscious way is an idea that can be considered by directors and filmmakers. This article explores this relationship in the movie Mother, made by Ali Hatami.</p>
<p>Authors: 1. Maryam Rezaie 2*. Jamaledin Soheili 3. Maryam Armaghan</p>	<p>Target: In this research, first to interpret the architectural space and place, Kanter's views on the sense of place are considered, then the features of melodrama style in cinema and its features are discussed and then the architectural concepts and features of place in The scene design of Hatami's film "Mother" is studied in terms of activity, body and meaning. The counter recognizes three components for each</p>
<p>1. PhD researcher, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.</p>	<p>location: Physical characteristics, activities & Imaginations.</p>
<p>2*. Associate Professor, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.</p>	<p>Method: To understand this issue, try to use the historical-interpretive method to communicate the spatial-local dialectical process, which requires the analysis and description of the components resulting from the changes identified in this research. Finally, through deductive-inductive reasoning, it has been tried to identify the output components of the tool used in this research.</p>
<p>3. Assistant Professor, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.</p>	<p>Result: For this purpose, it was tried to explain the temporal process of the sequences taken from the film Mother in relation to the spatial coexistence or the progress and delay of the moving space of the scene from a sense of feeling. Eclectic view of space? By linking human relations with place in melodrama cinema, he identified a kind of space-place dialectic that can be affirmed and achieved in key words: spatial diachronic and synchronic.</p>
<p>*Corresponding Author soheili@qiau.ac.ir</p>	<p>Key Words: Melodrama cinema, sense of place, mother movie, spatial reading</p>
<p>Article History Receive : March 16 , 2024 Accepted : May 11 , 2024</p>	

Copyright© 2020, TMU Press. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

خوانش فضایی سینمای ملودرام ایرانی به واسطه ارزیابی مولفه‌های حس مکان (نمونه موردی: فیلم سینمایی مادر)

مریم رضایی

پژوهشیار دکتری تخصصی، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد

اسلامی، قزوین، ایران

جمال الدین سهیلی*

دانشیار، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین،

ایران

مریم ارمغان

استادیار، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین،

ایران

چکیده

بیان مسئله: معماری و سینما مجموعه‌ای از هنر و فونونی است که از طریق طراحی صحنه، نشانه‌شناسی و معنا بر شخصیت-پردازی، ایجاد هویت، حس‌زمان و مکان، ایجاد فضای مناسب برای لوکیشن خاص و عبور از لایه‌های تاریخی، ایجاد حس‌روانی و هویت و تاثیر بر روند روایت و... در فضای فیلم تاثیرگذار است. **هدف:** درک مولفه‌های برآمده از سینما مخصوصاً ملودرام از منظر هم‌زیستی با معیارهای حس‌مکان منتج‌شده از فضای معماری منجر به خروج کلیدواژگانی می‌گردد که خود در میزانشن نمودن ساخت فضای فیزیکی صحنه درجهت شناسایی روابط انسان با مکان قابل تدقیق می‌باشد.

روش تحقیق: برای درک این موضوع سعی شد بایه‌ره از روش تفسیری-تاریخی به فهوای روند دیالکتیک فضایی-مکانی در فیلم مادر پرداخته شود که این روند خود نیازمند روش تحلیلی-توصیفی است تا به واسطه مولفه‌های برخاسته از متغیرهای شناسایی شده در پژوهش احصاگردد. نهایتاً از طریق استدلال قیاسی سعی بر تفهیم مولفه‌های خروجی به واسطه ابزاری چون مدل و جداول تحلیلی شده‌است. لذا طرح پرسش: «چگونه می‌توان پروسه زمانی سکانس‌های برداشت شده فیلم سینمایی مادر را در ارتباط با هم‌زیستی فضایی و یا تقدم و تاخر فضای حرکتی صحنه از منظر دیالکتیک حس-مکانی توجیح نمود؟»

نتیجه گیری: می‌تواند از طریق مدل مفهومی و جداول عنوان شده از حیث مرحله بندی فریم‌های فضایی که منجر به درک روابط حس-مکانی منتج‌شده از روابط انسان با مکان در سینمای

ملودرام میشود. به نوع روش‌شناسی در روابط هم‌بندی فضا و زمان از منظر شناسایی واژگان؛ دیاکرونیک و سینکرونیک فضایی صحنه و در قالب مولفه‌های؛ فعالیت، معنا و کالبد از منظر حس-مکانی پاسخی درخور شایستگی آن داد.

واژگان کلیدی: سینمای ملودرام، حس مکان، فیلم سینمایی مادر، خوانش فضایی

تاریخ دریافت: [۲۶/۱۱/۱۴۰۲]

تاریخ پذیرش: [۲۲/۲/۱۴۰۳]

* نویسنده مسئول: soheili@qiau.ac.ir

۱. مقدمه

فضاهای معماری در تمامی جهات و نیز در تمامی ژانرهای هنری و سبک‌ها تاثیر عمیق و موشکافانه‌ای دارد، معماری بالاخص از طریق طراحی صحنه، نشانه‌شناسی و معنا، بر شخصیت‌پردازی، ایجاد هویت، حس‌زمان و مکان، ایجاد فضای مناسب برای لوکیشن خاص و عبور از لایه‌های تاریخی، ایجاد حس‌روانی و هویت و تاثیر بر روند روایت و... در فضای فیلم تاثیرگذار است [۱]. بنابراین می‌توان گفت که هنر معماری در سینما به عنوان عامل اصلی ایجاد تعادل و هماهنگی در شکل تصاویر و ترکیب صحنه مطرح است. چنانچه خاصیت مکانی یا زمانی فضا، رنگ، نور و سایه روشن، تاثیر متفاوتی بر بیننده می‌گذارد. معماری از طریق معنا و فضاسازی بصری به ایجاد هویت و خلق مکان می‌پردازد [۲]. معماری از طریق معنا و فضاسازی بصری به ایجاد هویت و خلق مکان می‌پردازد به شکلی که ارتباط فضا با محیط به واسطه عناصری چون: دیوار، کف و سقف قابل تدقیق بوده که به واسطه این عناصر و ارتقاء آنها می‌توان به اصلی چون: مکان دست یافت. لذا این ارتقاء به واسطه تجربه زیستی معماری در سینما قابل حصول می‌باشد و هر دو فرآیند اصول مشترکی پایبند هستند و در عین حال وامدار عناصر تصویری و تجسمی نیز می‌باشند [۳]. این پژوهش، در ابتدا برای تاویل فضای معماری و مکان، آرای کانتز در خصوص حس مکان را مدنظر قرار داده و سپس به بیان ویژگی‌های سبک ملودرام پرداخته و در ادامه مفاهیم و ویژگی‌های معمارانه مکان را در طراحی صحنه فیلم مادر از جنبه‌های کالبد، معنا و فعالیت، مورد مطالعه قرار داده است. کانتز در کتاب خود تحت عنوان «روانشناسی مکان» می‌کوشد تا پیوند میان انسان و محیط پیرامونش را به کمک مفهوم

مکان و تشریح و گسترش آن به حیطه قلمرو فیزیکی تبیین نماید. او در آغاز اعلام می‌کند که هدف طراحی محیط آفرینش مکان است. کانتر با طرح چنین هدفی، دست یافتن به نظریه‌ای که بتواند تعریف، شناخت، ساختار و موقعیت مکان‌ها را توضیح دهد را یک ضرورت می‌خواند به شکلی که در دمیدن روح زندگی به فضا و برانگیختن احساس انسان‌ها اهتمام می‌ورزد [۴]. کانتر یادآور می‌شود که ما آدم‌ها برای مکان‌ها همواره نمادهایی را در نظر می‌گیریم و یا آن‌ها را به شیوه‌های گوناگونی بازنمایی می‌کنیم. آنچه که محور اصلی نظریه کانتر را شکل می‌دهد، مدلی است بر مبنای کالبد، معنا و فعالیت که رابطه میان مولفه‌های شکل‌دهنده هر مکان را توضیح می‌دهد چراکه حس مکان بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و بویژه رفتارهای فردی و اجتماعی افراد تاثیر می‌گذارد [۵]. از این‌رو درک هم‌بندی روابط حسی - مکانی برگرفته از معماری و سینما منجر به شناسایی نوعی دیالکتیک حسی - مکانی در صحنه می‌شود، به طوری که سکانس‌های برداشت شده از فیلم مادر منجر به شناسایی این مهم از بدو شروع تا پایان خود می‌گردد. جاییکه همپوشانی فضای معمارانه با میزانسن نمودن فضای تصویری به واسطه دوربین از جنبه همگرایی روایتگری زمانی قابل تدقیق و شناسایی می‌شود که این سلسله مراتب در بازه حرکتی صحنه منجر به تقدم و تاخر معناداری از منظر درک مولفه‌های حسی - مکانی می‌گردد. از این‌رو سعی شد با طرح پرسشی چون: «چگونه می‌توان پروسه زمانی سکانس‌های برداشت شده فیلم سینمایی مادر را در ارتباط با هم‌زیستی فضایی و یا تقدم و تاخر فضای حرکتی صحنه از منظر دیالکتیک حسی - مکانی توجیح نمود؟» به شیوه اجرایی دیالکتیک حسی - مکانی صحنه از منظر تقدم و تاخر و به واسطه کلیدواژه‌گانی چون؛ دیاکرونیک و سینکرونیک صحنه به منصفه ظهور رساند. که این مهم منجر به درک ضوابط هم‌بندی هدف مندی در پیکره بندی فیلم نام برده می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

در این بخش از جستار با التفات به عنوان پژوهش حاضر و اهمیت مولفه‌های حس مکان در بازخوانی سینمای ملودرام، در ابتدا به سبقه‌ای از مطالعات انجام شده در این باب پرداخته می‌شود که در کتاب «سینما و معماری» (۱۳۹۲)، پنز و مورین به رابطه معماری و سینما (یکی هنری به قدمت انسان و دیگری جوانی صدساله)

پرداخته‌اند. چرا که معماری و سینما هر دو به خلق فضا و روح و زندگی می‌پردازند (مکان جاری در زمان) اما مصالح معماری مادی و واقعی است و مصالح سینما صوری و خیالی... از هر دید که بنگریم رابطه این دو هنر را خارج از سه منظر مفهومی (محتوایی و شکلی)؛ ارجاعی (معماری در سینما و سینما در معماری) و ابزاری (دنیای چندرسانه‌ها و فناوری رقومی) نخواهیم یافت. این کتاب با دیدگاه‌هایی از معماران، فیلمسازان، معماران فیلمساز و طراحان صحنه و دیدگاه‌های نوینی درباره مفهوم فضا، زمان و حرکت به خصوص در جهان رسانه‌های سه بعدی با دیدی عالمانه در پنج بخش تدوین شده است و تمام مباحث اصلی مربوط به سینما و هنر معماری را مورد بررسی قرار می‌دهد. همانطور که پناهی در مقاله خود تحت عنوان: «تاثیر معماری بر سینمای اکسپرسیونیست» (۱۳۸۳)، معماری و سینما را در فرایند ادراک فضا دو هنری می‌داند که به اصول مشترکی پایبندند و درواقع هر دو به ایجاد فضا و روح زندگی می‌پردازند و معتقد است وقتی معماری به عنوان عام‌ترین شکل هنر با سینما ارتباط برقرار میکند، جذاب‌ترین پیوند هنری رقم خواهد خورد. از این‌رو درک هم‌بندی روابط برگرفته از معماری و سینما منجر به شناسایی دیالکتیک حسی - مکانی صحنه خواهد شد که درواقع مولفه حس مکان پایه عرصه می‌گذارد لذا در کتاب «روح مکان، به سوی پدیدارشناسی معماری» (۱۳۹۲)، شولتز مکان را مانند هر موجودی دارای روح می‌داند و بیان میکند هر شی و مکانی، روح و ویژگی‌های خاص خود را داراست. بنابراین انسان با برافراشتن بنا و معماری کردن (روح مکان)، سایت موجود را شناسایی کرده و به مکان اجازه می‌دهد تا خویشتن خویش را آشکار سازد. همانطور که کانتر در کتاب «روانشناسی مکان» (۱۳۹۳)، می‌کوشد تا پیوند میان انسان و محیط پیرامونش را به کمک مفهوم (مکان) و تشریح و گسترش آن به حیطه قلمرو فیزیکی تبیین نماید. کانتر یادآور می‌شود که ما آدم‌ها برای مکان‌ها همواره نمادهایی را در نظر می‌گیریم و یا آن‌ها را به شیوه‌های گوناگونی بازنمایی می‌کنیم، آنچه که محور اصلی نظریه کانتر را شکل می‌دهد، مدلی است که رابطه میان مولفه‌های شکل‌دهنده هر مکان را توضیح دهد. به این منظور در پژوهش حاضر سعی شد با درک روابط حسی - مکانی از طریق تداعی روابط انسان با مکان در سینمای ملودرام به شناسایی نوعی دیالکتیک فضایی - مکانی پرداخته شود که به واسطه درک فضای معماری و نیز تقدم و تاخر آن منوط بر درک

نوع روابط، منجر به تفهیم نظام هم‌بندی سکانس‌های برآمده از فیلم مادر شود.

۳. روش تحقیق

این جستار از نظر ماهیت کیفی است و بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی پیش‌برده شده است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است که بابره از کتب، مجلات و مقالات انجام شده است. بررسی ارتباط تفسیری انعطاف‌پذیری حسی- مکانی و ارتباط این متون بابره از استدلال استنتاجی صورت پذیرفته است. لذا با توجه به داده‌های برآمده از استنتاج اولیه و تحلیل آنها بر مبنای استدلال قیاسی سعی در تفسیر و ارتباط همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته شده تا بتواند با استفاده از ابزاری چون؛ مدل مفهومی، جداول شکلی- تحلیلی و نمودار تحلیلی، به ارتباط مولفه‌های برآمده از حس مکان با سینمای ملودرام پی ببرد که این مهم بر مبنای سکانس‌های فیلم سینمایی مادر و با میزانسن نمودن فضاهای حرکتی برآمده از دیالکتیک حسی- مکانی قابل ارزیابی است. تدوین همبندی مولفه‌های برآمده از سینمای ملودرام و روابط منتج از حس مکان منجر به نفوذپذیری لایه‌های مکانی در زمینه ای چون: فیلم سینمایی مادر می‌گردد که به واسطه قلمروپایی و کاتالیزور زمانی- مکانی بتوان به ساحت فیزیکی آن دست یافت. این مهم به واسطه کروئوتوپ فضایی صحنه منجر به استخراج معیارهای برآمده از انعطاف‌پذیری حسی- مکانی صحنه با دیالکتیک مکانی می‌شود، به قسمیکه تقدم و تاخر نوع روابط انسان با مکان منجر به تفهیم نظام هم‌بندی سکانس‌های برآمده از فیلم نام‌برده می‌گردد.

۴. مبانی نظری

۴.۱. سینمای ملودرام

با بررسی و تحلیل عناصر و ارکان مشترک سینما و معماری و ماهیت حضور و حوزه اثر آنها در این دو هنر به مطالعه جریان‌های فکری حاکم بر سبک هر دوره معماری و مقایسه پیرامون سبک شناسی در سینما و معماری و تاثیرات آن بر آثار سینمایی پرداخته خواهد شد. ورود جریان مدرنیته که شروع آن از سده ۱۶ میلادی آغاز شد و بر طبق نظریه برخی اندیشمندان تا به امروز ادامه دارد، تفکرات و اندیشه‌های کاملاً نوبی را با خود آورد و محصول آن انسان خردباوری شد که در تلاش برای یافتن دلیل عقلی برای هر

چیز می‌باشد. ورود این جریان در حوزه‌های مختلف علوم به ویژه معماری و سینما نیز آنها را دچار تحولت شگرف کرده و دستاوردهای قابل توجهی پدید آورد. بسیاری از آثار سینمایی تاریخ‌ساز به علت نمایش و ارائه تصاویر خیالی ذهن بشر و کمال و آرزوهایی که در ذهن می‌پروراند در این زمان مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این میان تاثیر سبک‌های هنری به ویژه معماری در ساخت و تولید آثار سینمایی نیز در هر دوره تاریخی و نفوذپذیری این حوزه‌های هنری بر یکدیگر جالب توجه بوده است. در واقع دنیای سینما نمادی از جامعه و عصری است که فیلم در آن تولید و عرضه می‌شود [۶]. با بررسی ژانرهای مختلف سینمایی به خوبی می‌توان به نقش معماری صحنه‌ها و تاثیرگذاری آن در فیلم‌ها پی برد. از این رو چنین به نظر می‌آید که فضاهای معماری در تمامی جهات و نیز در تمامی ژانرهای هنری و سبک‌های سینمایی به ویژه سبک ملودرام تاثیر عمیق و موشکافانه داشته است [۱]. آثار سینمایی دراماتیک را می‌توان نمودی از توانمندی نهفته اما روشن‌نگر طراحی صحنه در بازآفرینی درون‌مایه دید که بیش از آنچه برگرفته از مکان‌هایی با معماری وابسته به سبکی ویژه باشد، زاده بهره‌گیری از ویژگی‌های معمارانه مکان است که طراحی صحنه را به تراز کارکرد استعاری- زیباشناختی می‌رساند و نیز لوکیشن‌های واقعی که به صورت عینی تجربه می‌شوند از ویژگی‌های شاخص فیلم‌های دراماتیک (ملودرام) است. ملودرام که از واژه درام مشتق شده، از دهه ۷۰ به بعد در توصیف فیلم‌های عاشقانه، عاطفی و احساس برانگیز به کار رفته است. ملودرام بر عاطفه و هیجانات ناشی از آن استوار است و از اشخاص و مفاهیم تعریف روشنی ارائه می‌کند، تماشاگر کم حوصله‌اش را خسته نمی‌کند و بلا تکلیف باقی نمی‌گذارد. ملودرام می‌تواند با ریتم یک موسیقی تند یا نرمی آرام و رمانتیک، شجاعت، شهامت، توفیق، عشق، شیفتگی و وصل را چون تجربه‌ای موثر و هیجان‌انگیز تقدیم کند [۷]. تجربه ملودراماتیک به مجموعه نیازهای هیجانی، عاطفی آشنا و جاری در میان ارتباطات خانوادگی، شغلی و معیشتی از عشق و نفرت، دروغ و تهمت و حق‌کشی گرفته تا هیجان موجود در حماسه‌ای ملی، عقیدتی، اجازه تخلیه می‌دهد. پایان در هر حال راضی کننده است، خواه قهرمان بر تارک قدرت بنشیند، خواه با رفتن اندوهناکش، شوق پایداری آرمانی قابل تقدیس را به جا گذارد. ملودرام مخاطبش را به مخلصه فکرهای سخت تودرتو و سوالهای پیچیده بی‌پاسخ نمی‌کشد و برای

۴،۲. حس مکان

مکان مجموعه فضاهایی است که بر رفتارها و ذهنیات انسان تاثیر میگذارد و نوع ارتباط مخاطبش با محیط را تعیین میکند. افراد با ارتباط و قرارگیری در مکان‌های مختلف، دارای ذهنیت و رفتارهایی میشوند که به مکان هویت میدهند. بنابراین، مکان عنصر اصلی هویت افراد ساکن در آن است و انسان با شناخت مکان میتواند به شناخت خود نائل شود [۱۰]. در تعریف حس مکان می‌توان گفت این واژه با این جمله ارزیابی می‌گردد: این مکان نشان می‌دهد که من هستم. هویت مکان ابعادی از خود است که هویت فردی شخص را در ارتباط با مکان، بر اساس باورها، ترجیحات، احساسات، ارزش‌ها، اهداف تمایلات رفتاری و مهارت‌های وی در رابطه با مکان به صورت آگاهانه و ناآگاهانه تبیین می‌کند. حس مکان در عین آن که وابسته به فرد، تجارب خاص و نحوه اجتماع‌پذیری اوست، انعکاس‌دهنده افراد و گروه‌هایی است که در آن مکان خاص زندگی می‌کنند [۱۱]. باتوجه به این که یکی از نقش‌های مهم ساختن معماری، تحقق بخشیدن و جنبه عینی‌دادن به حس مکان است. هدف وجودی ساختن و بنا کردن این است که سایت را به مکان تبدیل سازیم. یعنی آشکار کردن آن گروه از معانی که به طور بالقوه در محیط داده شده [۱۲]. رلف بر پایه مطالعات لینچ، حس مکان را این گونه بیان می‌کند: حس یک مکان، تشخیص یا تمایز مکانی ایجاد می‌کند که پایه شناخت آن به عنوان یک کل متمایز است [۱۳]. در واقع حس مکان، آنچه افراد در ذهن خود درباره مکانی خاص می‌سازند و یا تصویر آن مکان برای آنها است. حس مکان، تصویر ذهنی، تولید تجارب، تفکرات، خاطرات و احساسات بی‌واسطه و تفسیر هدفمند از آنچه هست و آنچه باید باشد است. این امر با ساختار کالبدی مکان گره خورده و آن را از سایر مکان‌ها متمایز می‌سازد [۱۴]. در عین حال حس مکان نوعی دلبستگی عاطفی با مکان بر پایه اهمیت نمادین مکان، به عنوان ظرف عواطف و ارتباطات نیز هست که به زندگی فرد، هدف و معنا می‌بخشد [۱۵]. کانتر یادآور می‌شود که ما آدم‌ها برای مکان‌ها همواره نمادهایی را در نظر می‌گیریم و یا آن‌ها را به شیوه‌های گوناگونی بازنمایی می‌کنیم و به دنبال آن گاهی اسم‌ها و نشانه‌هایی را نیز برای آن‌ها در نظر می‌گیریم، برای نمونه نشانه (آشپزخانه) روی نقشه معماری و یا نشانه (حوزه کسب و کار) روی یک نقشه برنامه‌ریزی شهری از این دسته هستند. آنچه که محور

تمام سوال‌هایش جوابی دارد. ملودرام به عنوان رایج‌ترین شکل سینمای موفق روایی با تمام وجوه ساختاری شناخته شده‌اش حوزه‌ای کوچک نیست، دنیای گسترده‌ای است از گوناگونی و تنوع جاری در بدنه سینما و شکلی که در تاریخ هنر فیلم جایگاه بسیاری از آثار برجسته و فراموش‌نشده هم بوده است. فیلم‌هایی که با استفاده از توانایی‌های خاص ارتباطی ملودرام بیشترین تاثیر فرهنگی را بر تماشاگران گذاشته‌اند. مرگ و حیات که جزیی از سینمای دراماتیک هستند چرخه‌ای پایان‌ناپذیرند، چرخه‌ای مداوم به بلندای تاریخ بشریت که همواره در میان این چرخه روابط نامرئی، گذشتگان را به حال و حال را به آیندگان متصل کرده است، روابطی غیرمادی که در شکل خاطره در حافظه تاریخی و جمعی انسان‌ها باقی مانده است. خاطراتی که همچون میراثی معنوی به زندگی معنا می‌دهند و از همین رو "به یاد آوردن" تبدیل به وظیفه‌ای اخلاقی می‌گردد. "به یاد آوردن" یعنی دفاع از هویت انسانی در برابر دشمن سرسخت او: "از خود بیگانگی" و نوعی از "نوستالژی، است که تنها و تنها مخاطبش گذشته و درگذشتگان است. اما بخشی از خاطرات، فصل مشترک میان گروهی بزرگ از یک جامعه‌اند. حافظه‌ای جمعی که در گروهی اجتماعی شکل گرفته و فصل اشتراکی میان افرادی ناشناس که معمول تنها نقطه مشترک میانشان علاقه و یا قرارگیری در بچوبه یک موضوع واحد بوده است. این گونه است که سینمای دراماتیک جایگاهی ویژه پیدا می‌کند و حساسیت تحلیل درباره ملودرام به عنوان ژانری شاخص در سینمای ایران، بی‌اغراق، نه تنها به دلیل اعتبار یا اهمیت آن، که به علت نامنسجم بودن و عدم به کارگیری استانداردهای لازم در نوع روایت‌های سینمایی این سبک مطرح می‌گردد. روایت کنندگان این دسته از آثار سینمایی علاوه بر آنکه قادر به ایجاد بافتی منسجم و تعیین‌کننده برای پرداخت روایت فیلم خود نیستند، توان ارائه قوانینی تثبیت‌شده در این گونه سینمایی نه چندان نوظهور را نیز ندارند [۸]. به واقع، آنچه بررسی ملودرام در سینمای ایران پس از انقلاب را به امری ضروری برای تحلیل‌گران و نیز منتقدان بدل میکند، شکل‌گیری مجدد این سبک با استفاده از عناصر مذکور و نیز پذیرش این شکل بصری و محتوایی نزد تماشاگران عام سینما است [۹].

اصلی نظریه کانتز را شکل می‌دهد، مدلی است که رابطه میان مولفه‌های شکل‌دهنده هر مکان را توضیح می‌دهد. کانتز برای هر مکان سه مولفه می‌شناسد: ویژگی‌های فیزیکی، فعالیت‌ها، تصورات. به باور او ما نمی‌توانیم مکانی را کامل بشناسیم یا بیافرینیم مگر هنگامی که بدانیم:

– انتظار چه (رفتاری) را در آن مکان داریم.

– (ویژگی‌های فیزیکی) آن محیط باید چگونه باشد.

– (تصورات) یا ذهنیتی که مردم از آن (رفتار) در آن (محیط فیزیکی) دارند چگونه است.

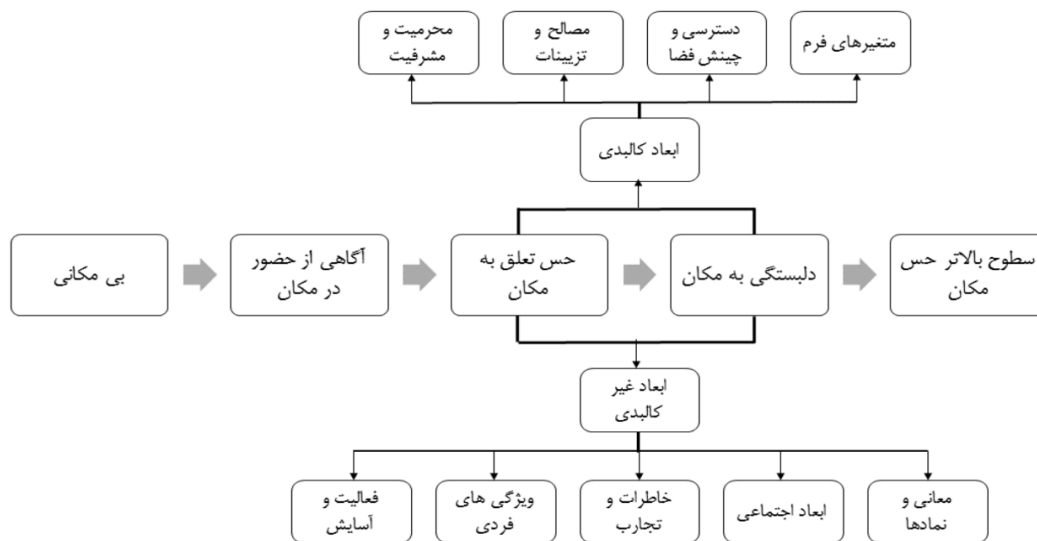
آن چه در رابطه با مکان منحصر به فرد است یا همان روح مکان، درون هویت ساخته می‌شود که می‌تواند با وجود تغییر در عناصر، پایدار بماند و دارای سطوح مختلفی چون: سطح فردی، سطح گروهی یا اجتماعی و سطح عامه است. مرکز این کیفیت، عاملی است که پراش‌انسی، گذشته مکانی فرد می‌نامد. این گذشته شامل نوع مکان‌ها و ویژگی‌هایی از آنها است که به عنوان ابزاری در برآوردن نیازهای فرهنگی، اجتماعی، روانشناختی و فیزیولوژیکی فرد سهیم هستند [۱۰]. بنابراین می‌توان گفت که حس مکان، بر اساس عناصر نمادین، عامل زمان، نوع تجربه کسب‌شده در مکان، دستاوردهای حسی و روانشناختی فرد در رابطه با مکان، خاطرات، گذشته مکانی افراد، ابعاد بومی و محلی، کیفیت مکان و کسب تجارب خاص در آن شکل می‌گیرد. برانگیخته شدن حس مکان در فرد با عوامل: تجربه مداوم مکان، میزان حضور و تکرار تعامل با مکان یعنی احساس وابستگی عملکردی با مکان، ترجیح مکان و درواقع حس مراقبه و توجه نسبت به آن در رابطه است [۱۶].

همچنین مفهوم روانشناختی هویت مکانی نخستین بار توسط "هارولد پروشانسکی" مطرح شد. هویت مکان، درک افراد از هویت خود در ارتباط با محیط کالبدی تعریف شده است. به طور کلی این مؤلفه به واسطه الگوی ایده‌های خودآگاه و ناخودآگاه، باورها، احساسات، ارزش‌ها، اهداف و تمایلات رفتاری مرتبط با محیط شکل گرفته است. دل بستگی به مکان، ارتباط عاطفی پیچیده بین مردم و مکان است که فراتر از شناخت، اولویت و قضاوت است. دل بستگی به مکان همچنین اشاره به غنای معانی دارد که متأثر از آشنایی و تداوم مراجعه است و عموماً پس از آن که افراد تجربه‌ای درازمدت در یک مکان دارند، اتفاق می‌افتد و در این فرآیند، مکان معنای وسیعی برای فرد می‌یابد. ارتباط انسان با محیط در

سطوح گوناگونی، حس مکان را به وجود می‌آورد و انسان، مراتب متفاوتی از حس مکان را درک می‌کند. شامای (۱۹۹۱) در بررسی-های خود در مورد سطوح مختلف احساس به مکان، ۹ مرحله اصلی تعلق به مکان، دل بستگی به مکان و تعهد به مکان را اشاره می‌کند و در دیدگاه‌های دیگر، حس مکان در سطوح ۱۰ گانه زیر دسته-بندی می‌شود: ۱- بی‌مکانی ۲- آگاهی از قرارگیری در یک مکان ۳- تعلق به مکان ۴- دل بستگی به مکان ۵- وابستگی به مکان ۶- مداخله در مکان ۷- فداکاری در حفظ مکان ۸- هویت مکانی ۹- وحدت با مکان ۱۰- روح مکان [۱۷]. از این رو حس تعلق ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی است که شخص یا گروه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از یک مکان خاص ادراک می‌کنند. این معنا که عمدتاً بر پایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد در طراحی به صورت نمود کالبدی، خود را نمایان می‌سازد [۱۸] همینطور که می‌توان آن را به معنای خاص و متمایز بودن، ثابت و پایدار ماندن و به جمع تعلق داشتن دانست [۱۹]. نظریات مطرح شده نشان می‌دهد هنگامی یک فرد به موضوعی تعلق پیدا می‌کند که بتواند از طریق آن به نیازها و انتظارات خود پاسخ داده و همچنین بتواند آن را با الگوهای ذهنی ساخته شده از "خود" ارزیابی نماید [۲۰]. به طور کلی می‌توان بیان کرد که نظریه تعلق بر این امر استوار است که وابستگی، پیوند عاطفی و تعلق مکانی، زمانی رخ می‌دهد که انتظارات و نیازهای اهالی آن محیط تأمین شده باشد. هر میزان به نیازها و انتظارات انسان بیشتر پاسخ داده شود، احتمال اینکه تعلق ساکنین به محیط پیرامونشان افزایش یابد بیشتر است. بنابراین تعلق به مکان، چیزی بیش از تجربه عاطفی و شناختی بوده و عقاید فرهنگی مرتبط کننده افراد به مکان را نیز شامل می‌شود [۲۱].

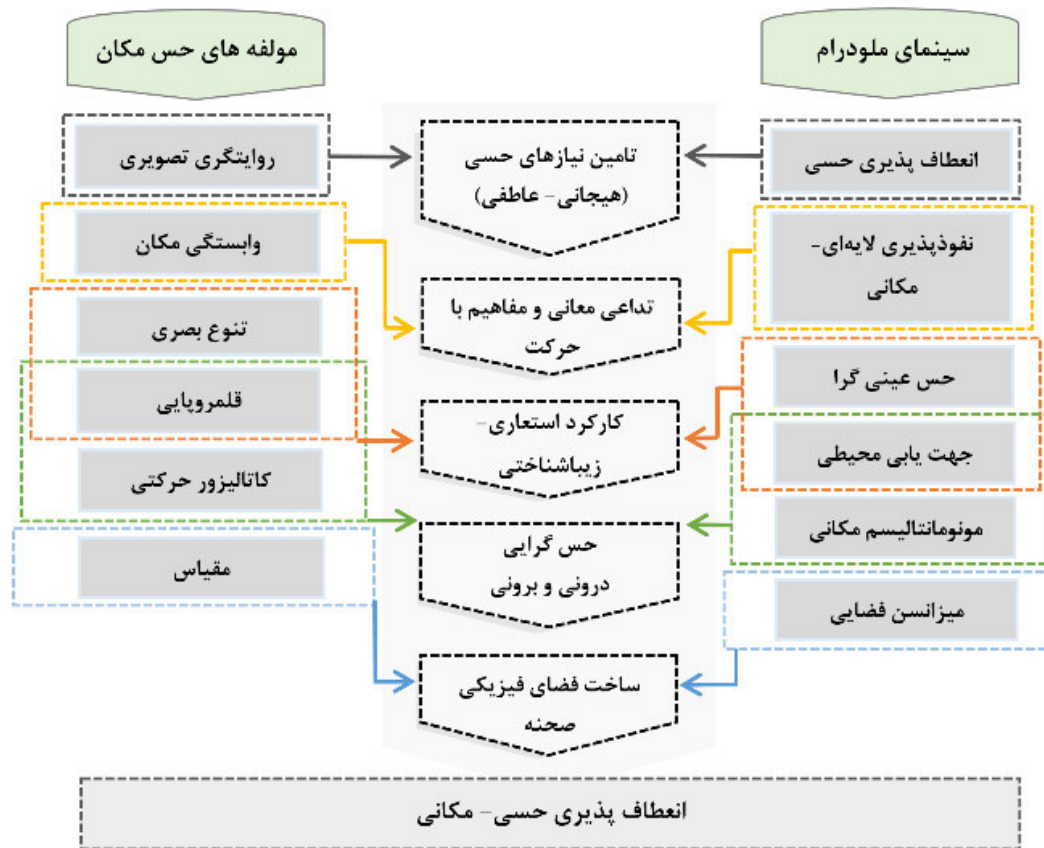
جدول ۱. نظریه‌های ارائه شده در رابطه با حس تعلق به مکان. ماخذ: [۲۲]

نظریه پرداز	نظریه
رلف ^۱ (۱۹۷۶)	حس تعلق، پیوندی محکم و عاملی تأثیرگذار میان مردم، مکان و اجزای تشکیل دهنده آن است که این پیوند به صورت مثبت بوده و سبب گسترش ارتباط و تعامل فرد با محیط می گردد و با گذر زمان عمق بیشتری می یابد.
شامای ^۲ (۱۹۹۱)	ارتباط عاطفی پیچیده فرد با مکان به گونه‌ای که مکان برای او معنا یافته و محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می دهد. وی در این حالت بر منحصر به فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکان‌ها تأکید کرده است.
لو و آلمن ^۳ (۱۹۹۲)	ارتباطی نمادین که توسط مردم از طریق الحاق معانی مشترک فرهنگی، احساسی و عاطفی به یک مکان خاص و یا قطعه‌ای از زمین ایجاد می شود و مبنایی برای ادراک و ارتباط افراد و گروه‌ها با محیط را فراهم می کند.
ریلی ^۴ (۱۹۹۲)	بر خواسته از خاطرات دوران رشد و ارتباطاتی است که در یک مکان اتفاق می افتد نه فقط مکان صرف.
بونایتو و همکاران ^۵ (۱۹۹۹)	تعلق مکانی را وابستگی عاطفی با مکان خاص و تبدیل فرد به عنوان بخشی از هویت مکان تعریف می کند و این گونه بیان می کند که این امر در چارچوب فرآیند اجتماعی روان‌شناختی بین فرد و مکان پدید می آید که نتیجه اش احساس علاقه نسبت به مکان است.
اسکل و گیفورد ^۶ (۲۰۱۰)	تعلق مکانی دارای سه بعد فرد، فرایند و مکان است. حس تعلق به صورت پیوندهای عاطفی در ابعاد یاد شده رخ می دهد.



شکل ۱. دیاگرام شاخص‌ها و چارچوب مفهومی پژوهش. ماخذ: [۲۲]

مدل مفهومی:



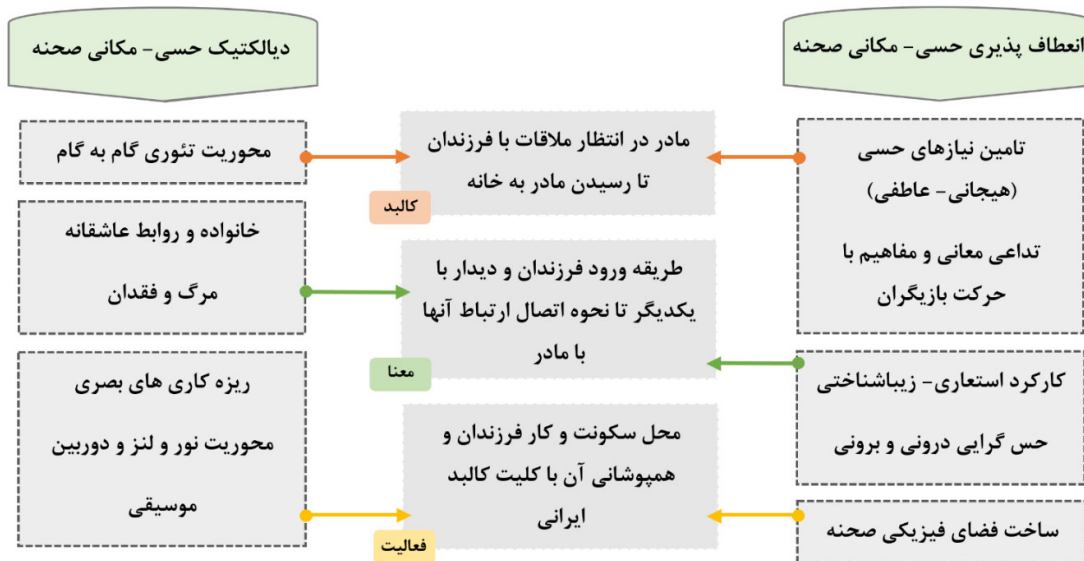
حس مکانی برآمده از آن منجر به درک اصلی چون: دیالکتیک مکانی صحنه به منظور شناسایی مولفه‌های: فعالیت، معنا و کالبد برآمده از آن می‌گردد. اثبات این اصل نحوه پیکره‌بندی کروئوتوپ مکانی را عرضه می‌نماید.

یافته‌ها

شناسایی متغیر وابسته در این پژوهش منجر به شناسایی متغیر مستقل فرعی همچون؛ فیلم سینمایی مادر و نهایتاً متغیر مستقلی چون سینمای ملودرام می‌شود. از این حیث درک مولفه‌های استخراجی از مدل مفهومی برآمده از مبانی نظری جستار پیش‌رو و در ارتباط با نمونه‌موردی مدنظر، منجر به شناسایی و ارزیابی مولفه‌های نوینی خواهد شد که به واسطه آن می‌توان به همپوشانی فضای معمارانه با فضای کادربندی شده و میزانشن شده‌ی دوربین و لنز در این مجموعه پی برد. به نحویکه درک مولفه‌های نام برده از منظر نوع دیالکتیک فضایی برای درک متغیری چون حس مکان قابل

با توجه به مفاهیمی چون: حس مکان و سینمای ملودرام می‌توان به مولفه‌هایی چون: روایتگری تصویری و انعطاف‌پذیری حسی دست یافت که این مهم منجر به درک معیاری چون: تامین نیازهای حسی (هیجانی-عاطفی) می‌شود. به واسطه تامین این مهم و در دامنه‌ی وابستگی مکانی و نفوذپذیری روابط لایه‌ای-مکانی می‌تواند به نوعی تداعی‌گر معانی از جنبه حس زمانی- حرکتی باشد. به واسطه توصیف مفاهیم عنوان‌شده و به کمک قلمروپایی برآمده از حس مکان و سوگیری آن با جهت‌یابی محیطی می‌توان به کارکرد استعاری- زیباشناختی فضای حرکتی نائل شد. درک این ضوابط هم‌بندی به واسطه کاتالیزور حرکتی و ارزش‌یابی مکانی منجر به رانه‌ای چون: دیالکتیک حسی در ارتباط با تجربه زیستی در قلمرو انعطاف‌پذیری مکانی می‌گردد. لذا ساخت فضای فیزیکی صحنه و در امتداد آن میزانشن نمودن ساحت فیزیکی در امتداد نوع کارشیو





شناسایی است که خود از جنبه‌ی هم‌گرایی و واگرایی زمانی قابل
تدقیق می‌باشد.



شکل ۳. مدل مفهومی مولفه‌های خروجی حاصل از اشتراک‌گذاری انعطاف‌پذیری حسی - مکانی و دیالکتیک حسی - مکانی صحنه

درک ضوابط هم‌بندی در انعطاف‌پذیری حسی - مکانی صحنه به واسطه دیالکتیک حسی - مکانی منجر به شناسایی سکانس‌هایی از فیلم مادر می‌شود که خود منجر به تعریف طیف زمانی از بدو شروع فیلم تا پایان می‌گردد. این سرآغاز و پایان از منظر دیالکتیک فضایی مفهومی چون: تداخل سکانس‌های اجرایی در بازه فضای حسی - مکانی را تعریف می‌نماید که نبود و یا جابه جایی هر کدام از این سکانس‌ها، شیوه اجرایی دیالکتیک صحنه را مختل می‌نماید. لذا برای تبیین این سیر، جدول شکلی - تحلیلی ذیل ارائه شده است:

جدول ۲. جدول مولفه‌های سینمای ملودرام و فیلم مادر (از منظر حس مکان)

فیلم مادر			مولفه های سینمای ملودرام							
سکانس	مکان	تصویر	مولفه های حس مکان	موسیقی	محوریت نور و لنز و دوربین	ریزه کاری های بصری	مرگ و فقدان	شخصیت های زن و تماشاگر زن	خانواده و روابط عاشقانه	محوریت تئوری گام به گام
مادر در انتظار ملاقات با فرزندان	خانه سالمندان		معنا	صدای پرندگان و نماز خواندن - حس آرامش	نور در پشت سر مادر - حس ملوکوتی	دو پرنده آماده پرواز - نمادی دو هم اتاقی	مرگ هم اتاقی - حس ترس از مرگ	بازیگران صحنه زن هستند	عشق مادر به دیدار فرزندان	مرگ هم اتاقی - شروع ملودرام
			کالبد	صدای پرندگان - بخشی از موسیقی متن.	نور پس زمینه مادر روی تخت	رنگ آبی چرک دیوار - حس غم	جسم بیجان هم اتاقی - حس مرگ	صحنه مرگ	
			فعالیت	صدای نماز خواندن - بخشی از موسیقی متن	نماز خواندن و بعد صحبت با هم اتاقی	صداهای بیرون از اتاق - حس فعالیت	مرگ هم اتاقی - جزئی از فعالیت	یک زن در حال نماز - زن دیگری بی حرکت	هیجان مادر برای دیدار فرزندان	صحت از ملاقات - پیشبرد داستان
بازگشت مادر به خانه	کوچه و محله قدیمی		معنا	گفت و گو با کفاش - حس همسایگی	حس قدیمی بودن بافت با زاویه دوربین	وسایل قدیمی - دستان پیر مادر و	رضایت مادر از بازگشت به خانه	حس تعلق به فضا - متناسب با سن مادر	
			کالبد	تمرکز دوربین بر دیوار و بساط کفاش	درب قدیمی، کلون درب، دیوارها و	دختر و مادر - مونس هم	ورودی محل - نقطه عطف حوادث	
			فعالیت	صدای کوبیدن درب جزئی از موسیقی صحنه	در زدن مادر و گفت و گوی او با پیرمرد	دستان ضعیف و انگشتری قدیمی مادر	همزاد پنداری زنان با مادر و دختر	همه در انتظار دیدار و دختر	حرکت به سمت خانه - پیشبرد داستان	
رسیدن مادر به خانه	حیاط خانه مادر		معنا	موسیقی متن حس شادی و آرامش را با هم دارد.	ورودی خانه، حوض و گل ها	حوض قلب شکل ، گل شمعدانی - حس عشق	حس خوب خانه با حضور مادر	اشتیاق فرزندان با حضور مادر	
			کالبد	حرکت در فضای حیاط و خانه	رنگ دیوار، حوض قلب شکل و گیاهان	حضور فرزندان در انتظار مادر	حضور مادر در فضای خانه	
			فعالیت	حرکت مادر، هیجان فرزندان، و نگاه مادر	بوسیدن چادر مادر، اشتیاق فرزندان	بغض دختر از حضور مادر	شوق فرزند بیمار با صدای درب خانه	حرکت مادر به سمت اتاقش
محل کار جلال الدین	بانک		معنا	حس خشکی و سردی فضا با شنیدن صداهای اطراف	حس کار و زندگی مدرن	رنگ ها، شلوغی میز ، معماری فضا حس	ناراحتی خواهر و ایجاد حس نگرانی	تماس خواهر و خبر از بیماری شدید مادر	
			کالبد	صدای شمردن پول ، صدای زنگ تلفن - زندگی مدرن	یک فضای اداری مدرن را نشان می دهد.	سادگی رنگ ها، بسته های پول	محیط کار جلال الدین - نمادی از شخصیت او	

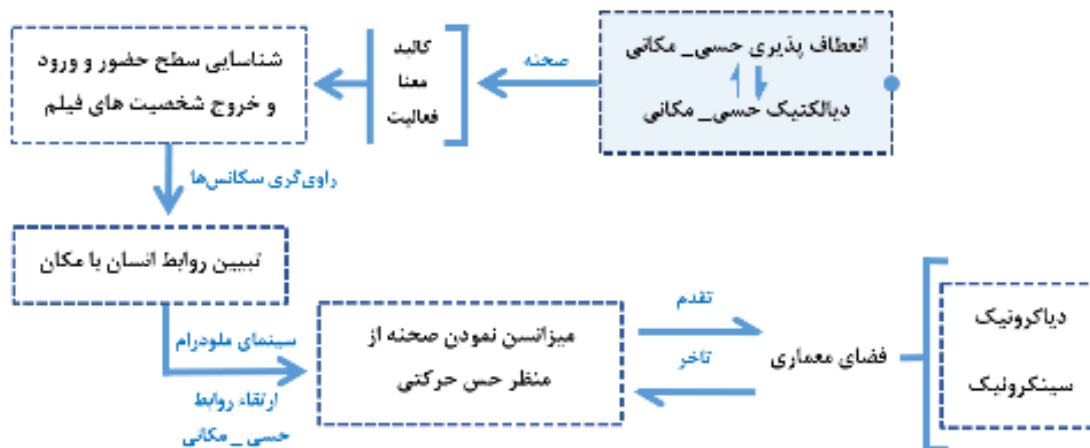
فیلم مادر			مولفه های سینمای ملودرام							
سکانس	مکان	تصویر	مولفه های حس مکان	موسیقی	محوریت نور و لنز و دوربین	ریزه کاری های بصری	مرگ و فقدان	شخصیت های زن و تماشاگر زن	خانواده و روابط عاشقانه	محوریت تئوری گام به گام
محل کار جلال الدین			فعالیت	تمرکز بر روی حرکات پسر	مشغول بودن جلال الدین - فعالیت یک کارمند	تماس خواهر و ناامیدی او از زنده ماندن مادر	صحبت های خواهر از پشت تلفن.	تماس خواهر و نگرانی از حال مادر	ادامه داستان با نشان دادن پسر دوم
محل سکونت جلال الدین	آپارتمان های آبی ساز		معنا	سکوت و صدای باد- حس تنهایی و سردی مدرن	ساختمان های بلند را در کنار طبیعت - تضاد معنایی	تعداد افراد محدود در مجتمع - حس عدم زندگی	عدم تعاملات در روز - مدرنیته	ضبط کردن صدا برای هم - فاصله عاطفی بین دو نفر	گفت و گو همسر و ضبط صدا
			کالبد	حجم صلب ساختمان و کمبود فضای سبز	معماری منسجم و یکنواخت	محیط نامرتب خانه - بی اعتنایی	معماری مدرن را در کنار معماری سنتی
			فعالیت	موسیقی یکنواختی زندگی مدرن	سکوت و آرامش داخل مجموعه را نشان می دهد	در روز مجتمع مسکونی خلوت است - عدم تعاملات اجتماعی	بازگشت زن جلال الدین از کار و ارتباط مجازی	زن و مرد با هم در یک زمان خانه نیستند	زندگی مدرن - جلال - بحران زندگی جلال
محل کار محمد ابراهیم	زهتابی		معنا	موسیقی محوطه نمادی از خشونت و بی احساسی است.	نمایش محیط کار پسر بزرگ- حس خشونت	شغل پسر، تا حدودی روحیات او را نشان میدهد.	ماهیت مرگ در شغل او حس می شود.	ادامه داستان با نشان دادن پسر اول
			کالبد	صداهای تلفن و صدای دستگاه ها - حس یک مکان شلوغ و خشن	نمایش شلوغی و بی نظمی محیط کار سنتی	سطح های کثیف، میز شلوغ، لباس های نامنظم	وجود اجزای حیوانات مرده- حس منفی مرگ	فضای کار سنتی را در کنار معماری قدیمی
			فعالیت	سر و صدای کارگاه زهتابی خود موسیقی متن فیلم شده است.	نمایش پاک کردن روده - محیط کار سنتی پسر بزرگ	پسر بزرگ مشغول روده پاک کردن - نحوه صحبت او با تلفن	شغل پسر در ارتباط با کشتن حیوانات	شناخت شغل و زندگی سنتی پسر بزرگ
محل سکونت غلامرضا	تیمارستان		معنا	موسیقی غمگین در سکانس تیمارستان	تمرکز بر روی تک تک بیماران - حس غم	سکوت پرستار و برادر بزرگ - نماد از ناامیدی	حس فضای تیمارستان - حس مرگ تدریجی	پرستار نماد صبر و آرامش	بحران های روحی یکی از فرزندان
			کالبد	سکوت و مبهوت بودن چهره ها نمادی از حس نابودی	فضای قدیمی ساختمان و مسیر سبز نامرتب	رنگ ها، صندلی ها و لباس های افراد - نماد محیط غمبار	رنگ ها و محیط زندگی - نماد مرگ تدریجی	شناخت محیط زندگی - غلامرضا - تیمارستان

فیلم مادر			مولفه های سینمای ملودرام							
سکانس	مکان	تصویر	مولفه های حس مکان	موسیقی	محوریت نور و لنز و دوربین	ریزه کاری های بصری	مرگ و فقدان	شخصیت های زن و تماشاگر زن	خانواده و روابط عاشقانه	محوریت تنوری گام به گام
محل سکونت غلامرضا			فعالیت	صدای توپ بازی و مابقی سکوت مطلق	توصیف غلامرضا با حرکاتش	بازی کردن، سکوت و با خود حرف زدن	فعالیت های درمانی غلامرضا بر عهده پرستار زن است.	حضور برادر بزرگتر و بردن غلامرضا به خانه
ورود ماه منیر	سر در باغ ملی		معنا	موسیقی متن حس ورود به یک بافت تاریخی	ورود به مسیر خانه از یک سردر قدیمی	عبور از میدان آزادی - ورود به آرامش محدوده سردر باغ ملی	عشق به مادر به فرزندان	نزدیک شدن به اصل ماجرا با رسیدن یکی دیگر از فرزندان.
			کالبد	کاهش صدای زیاد ماشین ها از ورودی شهر است به سمت خانه مادری	حرکت از میدان آزادی و گذشتن از سردر باغ ملی	میدان آزادی و عبور از سردر باغ ملی - سنت و مدرنیته	حضور ماه منیر در ماشین و حرکت به سمت خانه	بازگشت ماه منیر از شمال به خانه
			فعالیت	تقابل ماشین ها و جمعیت با آرامش محیط سردر باغ ملی	حرکت ماشین از یک بافت شلوغ مدرن به یک بافت تاریخی	حرکت دختر اول خانواده به سمت تهران	رسیدن دختر به مادر بیمار از راه دور	نزدیک شدن به اصل ماجرا با رسیدن یکی دیگر از فرزندان.
رسیدن ماه منیر به خانه	خانه مادر		معنا	موسیقی نشان از شخصیت آرام ماه منیر و شادی همه از حضورش	اتاق مادر ورود ماه منیر را نشان می دهد	حس آرامش و امنیت در خانه در کنار مادر	وجود مادر در هنگام ورود ماه منیر	حضور ماه منیر نشان نماد عشق مادر است.	نزدیک شدن به اصل ماجرا با رسیدن یکی دیگر از فرزندان.
			کالبد	شادی برادر دیوانه به همراه موسیقی متن	اتاق مادر محل گرفتن فیلم از ورود دختر و شادی همه	روشنایی اتاق مادر، رنگ های شاد و نور ز اتاق	حضور مادر در اتاقش و فرزندان در دور او،	محیط خانه، رنگ ها نشان از شادی و عشق	محیط خانه کم کم شکل اصلی خود را پیدا می کند.
			فعالیت	شادی مادر، در زدن و ورود ماه منیر و خوشحالی غلامرضا	نگاه جلال الدین از پنجره به درب و هیجان غلامرضا	مادر بر روی تخت و خواهر کوچک تر در حال پذیرایی	مادر بر روی تخت و خواهر کوچک تر در حال پذیرایی	آمدن ماه منیر از راه دور و در
آمدن برادر ناتنی	خانه مادر		معنا	حس ورود فردی غریبه از راهی دور ولی آشنا با مادر	تمرکز بر روی دربی از خانه که سال هاست باز نشده است	پیاپی شدن از تاختی به همراه چندان حس تعجب فرزندان	ورود از دربی که همیشه پدر از آن وارد می شد	حضور مادر به همه حتی برادر ناتنی حس آرامش می دهد.	حس مادرانه نسبت به یادگار همسر در تبعید	ترکیبی از تکامل و رشد رابطه مادر و فرزندان
			کالبد	موسیقی متن از حالت معمول به نوعی موسیقی سنتی تبدیل می شود.	حرکت دوربین بر روی برادر ناتنی، سایر بچه ها و مادر	موسیقی متن، لهجه برادر ناتنی، لباس پوشیدن و	خواهران هم چون بقیه مبهوت از حضور فرد غریبه	همه فرزندان در خانه پدری و کنار مادر جمع شدند	خانه پویا، رنگارنگ و پر از رنگ و نور شده است.

فیلم مادر			مولفه های سینمای مولودرام							
سکانس	مکان	تصویر	مولفه های حس مکان	موسیقی	محوریت نور و لنز و دوربین	ریزه کاری های بصری	مرگ و فقدان	شخصیت های زن و تماشاگر زن	خانواده و روابط عاشقانه	محوریت تئوری گام به گام
			فعالیت	صدای لولای در که نشان دهنده باز نشدن آن در مرور زمان است	حرکات برادر ناتنی و نحوه ورودش از یک درب متفاوت	ورود برادر ناتنی، همه مهیوت بودند	مادر به معرفی فرد غریبه می پردازد	بین برادران درگیری پیش می آید.
یادآوری تبعید پدر - آوردن پدر شب هنگام در فصل سرد و بارانی	خانه مادر		معنا	صدای باران و رعد و برق - حس سرما، ترس و غربت	نور به همراه هم مفهوم ترس و غم و جدایی را در شب	صدای باران، نور کم و تاریکی دیوارها	تاریکی فضا- حس ترس از فراق	زن در نقش مونس و همدم	حس عشق و وابستگی در محیط	بحران احساسی در این بخش داستان
			کالبد	نور کم و میلان ساده اتاق به همراه شیشه های خیس	رتنگ دیوارها، نور کم اتاق	ایجاد پیش زمینه جدایی در ذهن بیننده	زن یکی از اجزا اصلی این سکانس است.	حوادث در خانه و حریم شخصی آنها اتفاق می افتد.	عناصر و المان های موجود در صحنه
			فعالیت	حرکت از دور به سمت پدر و مادر	گفتگوی پدر و مادر ما را به گذشته های دور می برد.	خبر تبعید، جدایی است و ترس از مرگ	گفتگو و درد دل با همسر توسط زن	عشق مادر به همسر و فرزندان	دیالوگ ها و حوادثی که در گذشته رخ داده
آشتی محمد ابراهیم و جلال الدین	حیات خانه مادر و در کنار گل های زنده		معنا	صدای دوربین عکاسی یا موسیقی شاد متن ترکیب شده است.	عکاسی، حس محبت و نزدیکی را در دو برادر بیدار می کند.	حضور مادر، حس آرامش را در بین افراد خانه ایجاد کرد.	حضور مادر سبب آرامش و دوستی شد.	مهربانی و همراهی فرزندان در خانه	دلخوری ها جای خود را و مهربانی و صمیمیت دادند.
			کالبد	دوربین در حیات و کنار این سکانس را می آفریند.	آینما به شکل قلب، گل های شمعدانی و رنگ ها	حضور مادر و خواهر در حیات و تلطیف فضا	حضور فرزندان و صمیمیت آنها در کنار مادر	محیط با صفای خانه مسیر داستان را به اوج می برد.
			فعالیت	دوربین عکاسی و گرفتن عکس یادگاری	برادر ناتنی با مهربانی و گفتگو با همه	مشارکت مادر و خواهر ها در عکس گرفتن	فعالیت بیچه ها در خانه در کنار مادر	همانگی و آشتی بین شخصیت های داستان
تدارک دیدن برای مراسم عزاداری	خانه مادر		معنا	حس غم و اندوه تک تک فرزندان با مدیریت مادر	اندوه با تدارک دیدن قسمت های مختلف مراسم.	حس مادر بر رفتن بود.	خاطرات و نوشتار نویی	حس و حال روزهای آخر مادر	نقطه عطف داستان نزدیک است.
			کالبد	فضای خانه، لباس های مشکی، آماده شدن مادر در کنار هم	لباس های مشکی، آلبوم عکس های قدیمی	گفتگو با تک تک فرزندان- حس مرگ	حضور مادر و دختران - فضای درام اتیک تر	همانگی فرزندان - تغییرات در فضای خانه	فضاسازی ها در صدد به اوج رساندن مولودرام

فیلم مادر			مولفه های سینمای ملودرام							
سکانس	مکان	تصویر	مولفه های حس مکان	موسیقی	محوریت نور و لنز و دوربین	ریزه کاری های بصری	مرگ و فقدان	شخصیت های زن و تماشاگر زن	خانواده و روابط عاشقانه	محوریت تئوری گام به گام
			فعالیت	برگزاری مراسم توسط فرزندان و نظارت مادر	گوشت را خرد کردن، لباس مشکی پوشیدن	انتخاب لباس، تدارک برنج و خوراک مراسم ختم	تلاش مادر برای برگزاری خوب مراسم	انجام خریدها و لوازم مراسم تدفین	همه تلاش می کنند که بهترین پایان را بسازند.
مرگ مادر - نمایش نوری خیره کننده و سفید رنگ	خانه مادر (حیاط، اتاق مادر)		معنا	صدا کردن مادر توسط خواهر و برادر با موسیقی غم انگیز	ز قدم های مادر گرفته تا آخرین نگاه هایش به فرزندان	حس ملکوتی مرگ با کلمات و حال مادر	فضای اتاق بوی رفتن می دهد.	مادر وجودش حس مرگ را تداعی می کند.	حضور فرزندان در کنار بستر مادر	مرگ مادر نقطه اوج ملودرام است.
			کالبد	دوربین بر روی تخت مادر و پنجره زوم می کند	ملحفه های سفید، لباس سفید و قرآن در جلد سبز	نورپردازی ملایم و رنگ های روشن	دختران در کنار مادر جزئی از صحنه مرگ	نگاه فرزندان، نور محیط - حس صمیمیت	فضای اتاق مادر، پنجره و نور پردازی نهایی
			فعالیت	حرکات مادر و دعاهایش - در نهایت مرگ و نورپردازی نهایی در کادر	دعا خواندن، املا گفتن دختر در مورد مادر، ما را به سمت مرگ پیش می برد.	مادر دعا می خواند، دختر ناراحتی می کند و پسر قرآن را می آورد.	دختر غم و اندوهش را به برادر املا می گوید.	همراهی مادر تا لحظات آخر عمر	گریه دختر و ناله پسر به همراه نوری خیره کننده از سمت پنجره

تحلیل یافته ها



در امتداد طیف یافته‌ها و جداول شکلی-تحلیلی ترسیم شده و به- واسطه نمودار تحلیلی ترسیمی می‌توان به انعطاف پذیری حسی- مکانی در هم‌ارزی با دیالکتیک برآمده از آن دست‌یافت که این مهم به واسطه مولفه‌های برآمده از حس مکان منجر به شناسایی سطح حضور و ورود و خروج شخصیت‌های فیلم می‌گردد که از طریق صحنه‌پردازی و راوی‌گری سکانس‌ها، اصلی چون؛ تبیین روابط انسان با مکان را از جنبه دیالکتیک حسی- مکانی معنا می- بخشد که این خود در سینمای ملودرام منجر به میزانشن نمودن صحنه از منظر زمان‌بندی حرکتی در طیف سکانس‌های اجرایی می‌شود که حس حرکتی نام‌برده خود در کلیتی واحد چون؛ فضای معماری قابل تدقیق است. ماحصل این موضوع منجر به درک بازه زمانی از جنبه واژگان؛ سینکرونیک و یا دیاکرونیک فضایی در بازه صحنه‌پردازی مکانی می‌گردد. به قسمیکه ضوابطمداری ماهیت فضای صحنه در ارتباط با محیط برآمده از حس مکانی، چارچوب ارتباط کارشیو فیلم مادر با فضای معمارانه مستخرج از آن میشود که بابت از سلسله مراتب زمانی از جمله: هم‌زمانی صحنه‌های ضبط شده، تقدم و تاخر منتج شده از آن، کلیت نظام صحنه‌پردازی و به نوعی راوی‌گری سکانس‌ها را معنا می‌بخشد که عدم رعایت این مهم به واسطه طیف‌های برآمده از حس مکان منجر به عدم شناسایی سبکی چون؛ ژانر ملودرام می‌شود.

نتیجه گیری

توجه به متغیرهای موجود منجر به استخراج واژگانی چون: انعطاف- پذیری حسی و روایتگری تصویری می‌شود چنانچه درک تامین نیازهای حسی از جمله نیازهای هیجانی- عاطفی به واسطه‌ی آن نمود می‌یابد. این نیاز به واسطه کارکرد استعاری- زیباشناختی منجر به زایش معیاری چون: حس‌گرایی درونی و برونی خواهد شد که خود دیالکتیک حسی- مکانی را احصا می‌نماید. لذا درک دیالکتیک فضایی به واسطه هم‌ارزی فضای معماری با سینما از جمله سینمای ملودرام قابل تدقیق می‌باشد که در این اثنا، ساحت فضای فیزیکی صحنه پا به عرصه می‌گذارد. این فضا به واسطه همپوشانی انعطاف‌پذیری حسی- مکانی در صحنه از منظر دیالکتیک متصل به خود نمود می‌یابد که به واسطه آن مولفه‌های حسی- مکانی پا به عرصه گذاشته و در قالب کالبد، معنا و فعالیت عرضه می‌شود. جاییکه به واسطه سنجش نوع حضور و ورود و خروج شخصیت‌ها در سکانس‌های برآمده از فیلم مادر، میزانشن

صحنه از نظر حس مکانی را قابل عرضه می‌نماید. این مهم به واسطه سکانس‌های برداشتی و مولفه‌های حس مکان و با توجه به جداول شکلی- تحلیلی انجام شده دارای تقدم و تاخر هدفمندی می‌گردد که در ابتدا در نقش کالبد که همان کروکی فضای معماری است از منظر تقدم فضایی وارد عرصه شده و در پی مفهومی چون کالبد دیدار شخصیت‌های فیلم را معنا می‌بخشد و در نهایت محل سکونت و نوع فعالیت شخصیت‌های فیلم را به تصویر می‌کشد. این هم‌بندی به واسطه شناسایی کالبد و همچنین درک نحوه ارتباط بازیگران با هسته اصلی فیلم مادر، معنا را چاشنی صحنه‌پردازی خود قرار می‌دهد که در نهایت به واسطه محل سکونت و نوع فعالیت شخصیت فیلم، اصل فعالیت را نیز به تصویر می‌کشد که از منظر تاخر سکانس‌های برداشتی روشی هدفمند را به منصفه ظهور می‌رساند. در این روند، تقدم و تاخر حس حرکتی صحنه را در فضای معماری میسر می‌سازد که در آن بازه زمانی نقش کلیدی را داراست. این بازه به شکل تأکیدی بر شیوه اجرایی سکانس‌های برداشت شده از منظر دیالکتیک صحنه نظارت دارد تا اصل نظام هم‌بندی سکانس‌های نام برده را به ترتیب و یا به شکل هم‌زمان از منظر همپوشانی راویگری سینمای ملودرام و همراه با مولفه‌های برآمده از حس مکان هدایت نماید که منجر به زایش اصل دیاکرونیک و سینکرونیک فضایی صحنه می‌گردد. چنانچه راوی‌گری سکانس‌ها به شکل ترتیب یافته‌ای در بازه زمانی مدنظر برای مثال: مادر در انتظار ملاقات فرزندان تا رسیدن به خانه از اصلی چون؛ دیاکرونیک فضایی تبعیت نموده است و همچنین زمان و فضا در جهت راویگری صحنه‌ها به شکل تدقیق شده‌ای پا به عرصه می‌گذارد و ضوابط لایه‌ای- مکانی را وارد صحنه می‌کند که این ضوابط لایه- ای از منظر تقدم و تاخر سکانس‌ها از منظر سه مولفه: فعالیت، معنا و کالبد دست یافت که خود منجر به اثبات پرسش مطرح شده در جستار از منظر ارتباط فضایی با دیالکتیک حرکتی صحنه می‌گردد. در امتداد این بازه زمانی، سکانشی در جهت هم‌زمانی راوی‌گری صحنه‌ها پا به عرصه می‌گذارد که خود منجر به انعطاف‌پذیری حسی- مکانی صحنه می‌شود و این اصل در سینکرونیک فضایی معنا می‌یابد. لذا به واسطه مولفه‌های برآمده از حس مکان می‌توان به شناسایی تقدم و تاخر در برداشت‌های فیلم مدنظر گام برداشت که عدم حصول آن از منظر روش‌شناسی حسی- مکانی کلیت

[12] Norberg Schultz, Christian. 2012. "The spirit of the place, towards the phenomenology of architecture". Mohammad Reza Shirazi. Tehran: Rokh Dadno.

[13] Relph, E. 1976. Place and placelessness. London: Pion.

[14] Falahat, Mohammad Sadiq; and Kamali, Leila; and Shahidi, Samad. 2016. "The role of the sense of place concept in improving the quality of architectural preservation". Bagh Nazar, 14th period, No: 46.

[15] Williams, D R., & Carr, D.S. 1993. The sociocultural meaning of outdoor recreation places. In A. Ewert, D. Shavez, & A. Magill (Eds.), Culture, conflict, and communication in the wildland-urban interface (pp. 209-219). Boulder, Co: Westview Press.

[16] Riley, R. B. 2004. Attachment to the Ordinary Landscape. Boston, MA: Springer.

[17] Shah Cheraghi, Azadeh; and Bandarabad, Alireza. 2014. "Surrounded in the environment: application of environmental psychology in architecture and urban planning". Tehran: Academic Jihad.

[18] Matlabi, Qasim. 1380. "Environmental psychology is a new science in the service of architecture and urban design". Fine Arts, No: 10.

[19] Daneshgar, Moghadam; Golrokh et al. 2018. "Analysis of the sociability of the physical environment, affected by the understanding of nature in the human-made environment". Fine Arts, No: 38.

[20] Scannell, L., & Gifford, R. 2010. The Relations between Natural and Civic Place Attachment and Pro-Environmental Behavior. Journal of Environmental Psychology, 30(3), 289-297.

[21] Altman, I. & Setha Low (ed.). 1992. Place Attachment, Plenum Prwss, New York.

[22] Kalvir, Hojatullah Rashid; and Abbaszadeh, Fatemeh; Akbari, Hassan; and Shahroudi, Marzieh. 2018. "Examining the sense of belonging to a place from the

فرایند تولید ساختار فیلم در قالب سینمای ملودرام را به چالش می-
کشد و این خود منجر به اثبات پرسش مطرح شده در جستار می-
گردد.

فهرست منابع

[1] Mokhtabad Amrai, Seyyed Mustafa; and Panahi, Siamak. 2016. "Investigation and analysis of the role of interior architecture in the manifestation of meaning in science fiction films". Honarhaye ziba, No: 30.

[2] Hosseini, Seyyed Baqir; and Abizadeh, Elnaz; and Bagheri, Vahidah. 2018. "Architecture and cinema are complementary elements and identity of space and place". Armanshahr, No: 3.

[3] Panahi, Siamak. 2013. "The influence of architecture on expressionist cinema". Architecture and culture, fifth period, No: 17.

[4] Penz, Francois; and Maureen, Thoms. 2012. "Cinema and Architecture". Shahram Jafarinejad, Tehran: Soroush.

[5] Canter, D. 1971. The Psychology of Place, the Architectural Press, London.

[6] Haghiri, Saeed; and Kamel Nia, Hamed. 2014. "The theory of modernity in architecture". Tehran: University of Tehran.

[7] Kamali Nia, Farzin. 2018. "Cinematic Movements and Styles". Tehran: Nagare Pardaz Saba.

[8] Panahi, Siamak. 2017. "Architecture and Semantic Cinema". Tehran: Asr Konkash Publications.

[9] Adel, Shahabuddin. 2018. "Contemporary evolution in the concept of cinematic time". Tehran: University of Art.

[10] Habibi, Mohsen. 2012. "How to model and reorganize the skeleton of the neighborhood". Fine Arts, Volume 13, No: 13.

[11] Panofsky, Erwin. 1983. Meaning in the Visual Arts. London.

perspective of physical and non-physical indicators in independent houses and apartment complexes (case study: Tabriz city)". Geography and development of urban space, 6th period, No: 2.